

بررسی تطبیقی داستان سیاوش و روایت مادر تعزیه‌نامه‌ها

محمد خداداد نوش‌آبادی^۱ سعید خیرخواه^{۲*} امیرحسین مدنی^۳

(دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۸ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۲۳)

چکیده

باورها و سنت‌های ایرانی و از پی آن نقش و جایگاه معصومان و قهرمانان کهن این سرزمین، در آیین‌ها، اسطوره‌ها و نمادهای شیعیان ایران، به‌ویژه در فرهنگ و شعائر و هنرهای عاشورایی، نمودها و جلوه‌های زیادی دارند و در بسیاری از سنت‌های دینی، بن‌مایه‌های این پندارها را می‌توان مشاهده کرد. در این میان، نسخ تعزیه، به‌دلیل حشر و نشری که با عامه مردم داشته‌اند، از این باورمندی سرشارترند. در این مقاله کوشش شده است تأثیر داستان سیاوش بر روایت نسخه تعزیه امام حسین^(ع) نشان داده شود. از این رو، ضمن روایت خلاصه دو داستان و ویژگی‌هایشان، همانندی‌ها و پیوندهای آن‌ها در زمینه تولد رازناک از مادری آسمانی، جنبه ازلی بودن، کنش‌ها و واکنش‌های طبیعت در برابر این قهرمانان، پیشگویی و آگاهی ایشان از سرنوشتشان، حضور فرازمینی‌ها در روایت دو داستان، مرکب و ادوات ویژه، پاک‌نهادی و شهادت‌طلبی، تکرار شون‌دگی در بستر تاریخ، نیایش و شفاعت و نمادها و اشارات مشترک، واکاوی می‌شود. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان در کنار روایت یک واقعه تاریخی، سرگذشت رازآلود قهرمانان اساطیری را با پیشوایان مذهبی در آمیخت؛ به‌گونه‌ای که آن شخصیت را برای مردم باورپذیرتر و حتی درخور ستایش بیشتر سازد.

واژه‌های کلیدی: اسطوره، شاهنامه، سیاوش، امام حسین^(ع)، تعزیه.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان.

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان (نویسنده مسئول)

*zh9988@gmail.com.

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان.

۱. مقدمه

تقابل نور و ظلمت، پاکی و تباهی، اهورا و اهریمن، دیو و پری و ... قصه همیشه تاریخ است و کشمکش و تقابلی است که زیرساخت و دست‌مایه اصلی بسیاری از داستان‌های مانا و مهم همه جوامع را تشکیل می‌دهد؛ زیرا نابرابری‌ها و بر صدر نشستن زورگویان و اهریمنان و گوشه‌نشینی و ظلم دیدگی پاکان و نیکان، تقریباً در عمده زمان‌ها جاری و ساری بوده و سبب شده است که این آرمان‌خواهی، حق‌طلبی و کمال‌جویی، همواره با آدمیان همراه باشد. اتفاقاً هر برهه از تاریخ که ظلم‌ها و شکست‌ها و حقارت‌دیدگی جوامع، بیشتر شود، این رویکرد دفاع از حق و حقیقت، در قالب بر ساختن و بزرگ کردن افسانه‌ها و اسطوره‌ها شکل بارزتری یافته است.

با پیوند تاریخ و اسطوره است که می‌توان به یک شخصیت اسطوره‌ای، جنبه‌ای ازلی و ابدی داد و در هر ساحت و هر زمان و مکان آن را حاضر دید و حضورش را باورپذیر کرد، از او الگو گرفت، درد و شکایت زمانه را در خلوت و جلوت برای او بیان کرد، برای دردهایی که امور جامعه و قدرت‌های این جهانی به درمان و برآورده ساختن آن قدرت ندارند، دست به دامن ایشان شد و از روح بزرگشان استمداد خواست. اسطوره با تعزیه نیز به همین دلیل آمیختگی دارد. ذهنیت تاریخی عامه مردم و تکرار شخصیت‌های اساطیری در بزرگان دینی این هم‌گونگی را مضاعف ساخته است. شخصیت سیاوش به‌عنوان نماد پاکی و صداقت که به ناحق و ناروا کشته شده، در ذهن و ضمیر ایرانیان به نیکی و بزرگی ماندگار شده است. از سویی برای او سوگمایش می‌گیرند و سالانه سالگرد او را زنده می‌دارند و از سوی دیگر آزادی‌خواهان به خون خواهی او بر می‌خیزند. با گرایش باور دینی ایرانیان به اسلام، بسیاری از شخصیت‌های اسلامی برای انسان طالب‌الگو و پیشوا، جایگزین شخصیت‌های اساطیری شدند و از- جمله، سر پهلوانان پاک‌نهاد اسطوره‌ای جای خود را به سید شهیدان اسلام داد و شخصیت واقعی امام حسین^(ع) - که به کامل‌ترین و آخرین دین آسمانی باورمند است - به‌جای سیاوش نشست و همین جایگزینی، سبب شد در طول تاریخ و به‌ویژه در نسخ تعزیه، بسیاری از روایات اساطیری به این شخصیت تاریخی پیوسته و وابسته شد و از- جمله بین داستان سیاوش در شاهنامه و نسخ تعزیه امام حسین^(ع)، ماندگی‌های فراوانی

می‌توان یافت. ایرانی بودن تعزیه از عواملی است که سبب شد همانندی دو سرگذشت عینیت یابد.

از آنجا که داستان سیاوش و نسخ تعزیه امام حسین^(ع)، روایت انسان‌هایی است که در اوج پاکی و پاک‌باختگی هستند و نمونه‌ای از کامل‌ترین انسان زمان خویش‌اند، در روایت سرشت و سرگذشتشان که آمیخته‌ای از واقعیت و اسطوره است، مانندگی‌های زیادی آشکار و نهان دیده می‌شود. شخصیت سیاوش نماد پاکی و مظلومیت است، مادری رازآلود و پری‌زاد دارد، خود دامن به ناپاکی نمی‌آلاید، خداوند را ناظر عمل خود می‌داند، به پدر خیانت نمی‌کند و به تمنای شیطان^ی سودابه نه می‌گوید. از آتش امتحان سربلند و سالم بیرون می‌آید و تن پاکش را آتش سوزان چون تن‌پوشی سرد و برد می‌شود. او که دست‌پرورد رستم است، در جنگاوری و شهامت ممتاز و یلی مبرز است. در درگاه افراسیاب همان‌قدر و صدر را دارد که در بارگاه کاووس و دست آخر به کید و دسیسه کشته می‌شود. با اینکه سرش را در تشت می‌برند تا خون بی‌گناهش به زمین نریزد؛ اما باز خونس به زمین می‌ریزد تا بماند و ماندگار شود و خونخواهی و سوگمیش او، در درازنای تاریخ امتداد یابد.

اسطوره سیاوش در کهن‌ترین شکل‌های موجود خود از دو نهاد حکایت می‌کند: الف) بخشی از اسطوره که با توت‌م اسب مربوط است. ب) بخش دیگری که حاکی از یک آیین یا اسطوره کشاورزی و پیدایش شاه - خدائی از جامعه کشاورزی است (حصوری، ۱۳۸۴: ۴۱).

حصوری سه اشتراک و وام‌گیری تعزیه از سیاوشان را «جامه نیلی کردن و سیاه پوشیدن»، «جدا ناشدن اسب و سوار و آمدن اسب در حلقه شیون زنان» و «شبهات مضامین سوگ‌سرودهای سیاوشان و تعزیه‌ها» می‌داند. برپایی مراسم عزا برای هر دو شخصیت نیز از همانندی‌هاست. در برخی روایت‌های ادیان ایرانی و بین‌النهرینی نیز این همانندی آمده است «در یک ترانه اهل حق در مورد سیاوش آمده است: تویی ایرج، یحیی، سیاوش کی، آنگاه به‌صورت حسین در کربلا کشته شدی» (شمیسا، ۱۳۹۷: ۸۳۲). نمایش تعزیه را نیز وام‌گرفته از نمایش‌های آیینی پیش از اسلام می‌دانند (بلوکباشی، ۱۳۹۰: ۴۲). به عبارت دیگر، «آیین کین سیاوش به بیانی در طول تاریخ به - صورت آیینی دیگر - آیین شهادت امام حسین^(ع) احیا می‌شود (ثمینی و خزایی، ۱۳۸۲:

۷۶ به نقل از قادرنژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۱). گذشته از این‌ها، روابط بینامتنی متعددی هم می‌توان میان این دو داستان یافت (دلیر، ۱۳۸۷: ۱۷۶ - ۱۸۴).

۲. پیشینه تحقیق

الف) به‌طور خاص، در دو شماره‌ای که آورده می‌شود درباره پیوندهای داستان سیاوش و تعزیه امام حسین^(ع) سخن رفته است:

۱. «روابط بینامتنی میان داستان سیاوش از شاهنامه و تعزیه مجلس شهادت امام حسین^(ع)» مقاله‌ای مختصر (کمتر از ده صفحه) از آزاده دلیر. در این مقاله هفت شباهت داستان سیاوش و تعزیه امام حسین^(ع) به اجمال، در دو نیم‌صفحه نام برده شده و سپس به شاخصه‌های بینامتنی پرداخته شده است.

۲. «بازخوانی آیین سوگ سیاوش و تعزیه امام حسین^(ع) بر مبنای تحلیل نگاره‌های مربوط به سوگ سیاوش در آسیای مرکزی و اثری از حسین زنده‌رودی» از مهدی قادرنژاد و همکاران. این مقاله همان‌گونه که از عنوانش پیداست، بیشتر تأکیدش بر بازنمایی تأثیر اشتراک‌های این دو داستان در آثار نقاشی حسین زنده‌رودی است.

ب) به‌طور کلی درباره ریشه ایرانی و اساطیری تعزیه و ازجمله باورهای عامه درباره تجلی شخصیت سیاوش در امام حسین^(ع)، در بسیاری از پژوهش‌های اصیل درباره تعزیه، اشاره‌هایی شده است. به‌ویژه یکی از زمینه‌های پیدایش نمایش آیینی تعزیه را نمایش‌های «سوگ سیاوشان» و «یادگار زیران» دانسته‌اند. احسان یارشاطر در مقاله ارزشمند «تعزیه: آیین سوگواری در ایران قبل از اسلام» بر این باور است که «اساس سنتی را که زمینه‌ساز پیدایش تعزیه گردیده در خاور ایران قبل از اسلام، جست‌وجو کنیم». در کتاب *آشنایی با مبانی شبیه‌خوانی* - که کتابی آموزشی و درسی از استاد داوود فتحعلی بیگی است - در دو بخش به جنبه اساطیری تعزیه اشاره شده است. «تشنه در میقاتگاه» یکی از محققانه‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در متن و متن‌شناسی تعزیه (بر اساس مجموعه لیتن) با تصحیح و تحلیل حسین اسماعیلی است و در آن، در کنار متن‌شناسی به نکات و اشاره‌هایی درباره اسطوره و پیوند آن با تعزیه پرداخته شده است. صادق عاشورپور در جلد دوم کتاب *نمایش‌های ایرانی* (با موضوع تعزیه)، در سرفصل منشأ پیدایش تعزیه، تعزیه را ادامه نمایش‌های اساطیری و آیینی

می‌داند. کتاب پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از عنایت‌الله شهیدی در سرفصل خاستگاه و زمان پیدایی تعزیه‌خوانی با برشمردن و نقد دیدگاه‌ها و نظریات صاحب‌نظران، به این نتیجه می‌رسد که نظر اساتیدی که تعزیه را ادامه و امتداد نمایش‌های آیینی و اساطیری می‌دانند، به صواب نزدیک‌تر است. در بخش پایانی کتاب کم‌صفحه، اما پرمغز سیاوشان اثر علی حصوری نیز در سرفصل تعزیه برخی اشتراک‌های تعزیه و داستان سیاوش برشمرده شده است و نویسنده معتقد است ناچار باید به رنگ اصیل ایرانی چنین مراسمی تأکید و ریشه آن را در آیین‌های ایرانی جست‌وجو کرد.

۳. مجلس تعزیه امام حسین^(ع)، مادر تعزیه‌نامه‌ها

تعزیه، نمایشی آیینی است که روایت سرگذشت بزرگان تاریخ اسلام و ایران است و مانند هر پدیده فرهنگی دیگری در بستر تاریخی خود سیری تدریجی و تکاملی طی کرده و با پیوند شعر و نمایش و موسیقی، آیینی تأثیرگذار و عامه‌پسند خلق شده است. برای مجالس و نسخ پرتعداد تعزیه تقسیم‌بندی‌های مختلفی ارائه کرده‌اند. تقسیمات موضوعی، تقسیمات مضمونی و تقسیمات ساختاری (فتح‌علی بیگی، ۱۳۹۶: ۳۷ - ۴۲).

نسخه تعزیه امام حسین^(ع)، امام عاشورا، یکی از مشهورترین و پرتکرارترین مجالس تعزیه است که تقریباً همه نسخه‌نویسان معروف تعزیه به تنظیم و سرایش آن اقدام کرده‌اند. این تعزیه - که لحظات آخر عمر امام حسین^(ع) را در بعد از ظهر عاشورای سال ۶۱ هجری روایت می‌کند - با شاخ و برگ و حواشی بسیاری همراه است که اجرای کامل آن تا بیش از ۵ ساعت طول می‌کشد.

از ویژگی‌های این مجلس آن است که دیگر تعزیه‌های عاشورایی درباره آن هستند و روایت‌های پیش و پس از شهادت امام را روایت می‌کنند. بنابراین، این مجلس مرکز ثقل همه تعزیه‌هاست.

گوشه‌ها، به‌ویژه برای تقویت خصلت فرا انسانیِ قهرمان، یعنی امام حسین^(ع) پرداخته شده‌اند. از این رهگذر توانایی‌های متعدد امام را در جابه‌جایی برق‌آسا در مکان، گذر در زمان، تسلط بر عناصر طبیعی، ارتباط با جهان نامحسوس، معجزه کردن، فرمان‌روایی بر تمامی جامعه بشری و ... این صحنه‌ها گویای آن است که

امام حسین^(ع) گرچه همچون یک انسان، شرایط تاریخی زندگی زمینی خویش را می‌پذیرد و به شهادت می‌رسد؛ اما درواقع، فراتر از انسان است (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۴۳۵)

از سوی دیگر القاب و توصیفات که نسخه‌پردازان تعزیه در این مجلس و دیگر مجالس تعزیه از امام حسین^(ع) دارند گواه و گویای شخصیت فرازمینی این امام است. گوشواره عرش خدا، پیشوای جن و بشر، امام مشرق و مغرب، گوهر عالم‌افروز، زهره روشن‌جبین، کلید رحمت گنج خدا، گزیده سبجان، خسرو اقلیم وفا، شهریار شهر یاران، زیب عرش سبجان، شاه خوبان، شهنشه دارین، شاه زمان و ... (پهلوان، ۱۳۹۷: ۵۱۵/۱).

البته ماهیت کلی تعزیه عامل این در بردارندگی‌هاست. در اینجا روایت خلاصه شده دو داستان، از شاهنامه و نسخ تعزیه را می‌آوریم و سپس ماندگی‌ها و پیوندهای آن‌ها را بر می‌شماریم.

۴. خلاصه داستان سیاوش

داستان سیاوش از رویارویی گیو و طوس با مادر سیاوش در نخجیرگاه آغاز می‌شود. هر دو شیفته او می‌شوند و داوری به کاوس شاه می‌برند؛ اما کاوس او را به زنی خود بر می‌گزیند. محصول این ازدواج سیاوش است؛ اما ستاره‌شناسان، ستاره بر او آشفته می‌بینند. رستم برای پرورش سیاوش نامزد می‌شود و چندسالی او را رزم و بزم و هنر می‌آموزد و سپس با خواست پسر، او را به نزد پدر می‌آورد. در بارگاه کاوس، همه دلباخته سیاوش می‌شوند و در این بین، سودابه همسر شاه و نامادری سیاوش، سخت عاشق او می‌شود تا اینکه بالأخره به ترفندی، سیاوش را به شبستان می‌کشاند؛ اما سیاوش پاک‌نهاد، این خواسته شیطانی را نمی‌پذیرد. سودابه به خدعه، داستان را وارونه، نزد شهریار جلوه می‌دهد و سیاوش را به این تمنای حرام متهم می‌سازد. پادشاه به فراست در می‌یابد که سیاوش بی‌گناه است؛ ولی از مجازات همسر، چشم‌پوشی می‌کند. سودابه بیکار نمی‌نشیند و دوباره به نیرنگی متوسل می‌شود تا شاه را به سیاوش بدگمان کند، نیرنگ با همدستی زنی «پُر از جادو و رنگ و فسون» کارگر می‌افتد. برای معلوم ساختن بی‌گناه به مشورت موبدان، قضاوت به آتش می‌نهند. روز موعود فرا

می‌رسد. کوهی از آتش فراهم می‌آید و سیاوش با اسب به دل آتش می‌رود؛ اما سالم و سلامت بیرون می‌آید.

روزگار می‌گذرد تا اینکه خبر حمله افراسیاب به ایران به گوش کاوس می‌رسد و سیاوش خود را برای فرماندهی سپاه ایران برای جنگ با افراسیاب تورانی، آماده می‌کند؛ اما بین دو سپاه، صلح برقرار می‌شود و سیاوش به دلایلی، از جمله رهایی از کید مداوم سودابه، به رفتن به توران ترغیب می‌شود.

یک‌سال می‌گذرد تا اینکه «پیران» - که یار همیشه‌همراه و راهبر سیاوش است - او را ترغیب به ازدواج می‌کند و جریده، دختر گلشهر، به همسری سیاوش در می‌آید. چندی می‌گذرد و پیران از سیاوش می‌خواهد برای قرب بیشتر در توران و نیز برقراری رابطه خونی با افراسیاب، «فرنگیس»، دختر افراسیاب را نیز به زنی بگیرد. افراسیاب از این ازدواج استقبال می‌کند و این پیوند پا می‌گیرد. یک‌سال به خوشی می‌گذرد تا اینکه با کید گرسیوز، سیاوش به سوی افراسیاب لشکرکشی می‌کند. سیاوش در این جنگ اسیر سپاه افراسیاب می‌شود و به سعایت تیره‌دلان، افراسیاب به کشتن سیاوش تن می‌دهد. حتی وساطت فرنگیس نیز فایده‌بخش نیست و گرسیوز و گروی زره، سیاوش بی‌گناه را به بیابانی می‌برند و در تشتی سر از بدنش جدا می‌کنند. داستان به همین‌جا ختم نمی‌شود و با انتقام‌خواهی فرنگیس و کیخسرو همسر و فرزند سیاوش ادامه می‌یابد تا سرانجام کیخسرو به تخت جانشینی کاوس می‌نشیند.

۵. خلاصه داستان مجلس تعزیه امام حسین^(ع)

مجلس تعزیه امام حسین^(ع)، روایت ساعات پایانی هیجای عاشورا است و عمده وقایع آن در عصر روز دهم محرم رخ می‌دهد. یاران و همراهان امام شهید شده‌اند و جز زنان، علی‌اصغر و امام سجاد^(ع)، کسی برای یاری او نمانده است. مجلس با رجزخوانی مخالف‌خوان‌ها (شمر و ابن سعد و اشقیاء) شروع می‌شود. سپس، امام گفت‌وگویی با زینب^(س) دارد. در میانه این گفت‌وگو، لحظاتی امام به خواب می‌رود. جبرئیل و ملائک وارد صحنه می‌شوند و از خوابِ ناز امام و دریغ از کشته شدنش در ساعات آینده می‌گویند.

امام در اوج غریبی و بی‌یاوری به میدان می‌رود. جبرئیل که تنهایی امام را می‌بیند از عرش می‌آید و از اسرافیل و میکائیل و دیگر ملائک می‌خواهد، رکاب ذوالجناح را نگاه دارند و امام پای بر بال جبرئیل می‌نهد و بر اسب سوار می‌شود. امام آماده رفتن است؛ اما اسب حرکت نمی‌کند؛ چون یکی از کودکان حرم، دست بر پای اسب، حلقه بسته و از امام می‌خواهد دوباره به جمع اهل بیت باز گردد.

امام وداعی دوباره با اهل خیام دارد و همین‌که می‌خواهد عازم میدان شود، صدای مادر علی‌اصغر - کودک شش ماهه‌اش - را می‌شنود. امام کودک را به روی دست می‌گیرد و از لشکر اشقیاء، سیراب کردن او را طلب می‌کند که ناگاه حرم‌له، با تیری سه شعبه، گلوی کودک را می‌شکافد. امام، دوباره قصد میدان جنگ می‌کند که ناگاه مرد عربی از مدینه به صحرای کربلا می‌رسد و نامه‌ای از فاطمه صغری، دختر امام، به کربلا می‌رساند که حاکی از دل‌تنگی او بر کاروان کربلاست. امام در اوج تشنگی است و اهل حرم نیز تشنه‌اند. ناگاه صحنه عوض می‌شود. درویشی کابلی کشکول به دست و در حالی که برای زیارت قبر امام علی^(ع) به نجف می‌رود، صدای العطش امام و کودکان را می‌شنود و کشکول پر آب خویش را بر ایشان عرضه می‌دارد. امام به قدرت اعجاز با اشاره‌ای از زمین آب می‌جوشاند؛ اما تسلیم بودنش در برابر مشیت پروردگار را یادآور می‌شود. درویش به یاری امام می‌شتابد و در دفاع از امام حسین^(ع) به شهادت می‌رسد. امام دوباره به میدان می‌رود و برای اتمام حجت، ندای «هل من ناصر» سر می‌دهد. ندای امام در زمین و زمان می‌پیچد. خیل خیل یاری کنندگان از راه می‌رسند. ملائک (ملک ارض، ملک باد، ملک دوزخ، ملک‌الموت، فطرس و ...)، جنیان به سرکردگی زعفر، روح پیامبران (زکریا، یحیی و ...)، مردگان، پیامبر خاتم^(ص)، امام علی^(ع)، امام حسن^(ع) و حضرت زهرا^(س)، همه با همراهانی چند در صحنه حاضر می‌شوند و آمادگی خود را برای یاری امام، اعلام می‌دارند؛ اما، امام محتوم بودن شهادتش را بیان می‌دارد.

در کشاکش جنگ و جدل امام با ابن سعد و شمر و لشکر اشقیاء، صحنه عوض می‌شود و روایت تعزیه بُعد مکان را سپری می‌کند و به جنگل هندوستان می‌رود، آنجا که سلطان قیس و وزیرش برای شکار به جنگل رفته‌اند و گرفتار شیری شرزه شده‌اند.

این دو، از سر ناچاری امام حسین^(ع) را می‌خوانند. امام اسطوره‌گونه از کربلا طی الارض می‌کند و به هندوستان می‌رود. شیر زبان‌بسته، اشاره امام را می‌فهمد، کرنش می‌کند و رام و آرام به کناری می‌رود. امام دوباره به صحنه کربلا باز می‌گردد.

امام از شدت زخم و جراحت به زمین می‌افتد و نوبت به ورود یکی از شقی‌ترین لشکریان کفر در زمین کربلا می‌رسد. ناگاه آخرین سرباز امام، - عبدالله بن الحسن - به گودی می‌آید، او هم با شمشیر شمر، شهید می‌شود. به توصیه امام، شمر از قفا سر امام را از پیکر جدا می‌کند و مجلس در اوج تراژدی، در حالی که جنبش و دگرگونی عظیمی در عالم رخ داده است، رو به پایان می‌رود.

۵ - ۱. یک مجلس با چندین روایت

خط کلی داستان تعزیه امام حسین^(ع) همان است که در مطالب بالا آمد؛ اما در نسخه‌ها و زمینه‌های مختلف مجالس تعزیه امام حسین^(ع)، برخی گوشه‌ها و حاشیه‌های متفاوتی وجود دارد؛ مثلاً در زمینه برخوار، در اواخر تعزیه، مرد نصرانی هم در صحنه حاضر می‌شود و پس از اسلام آوردن، در رکاب امام به شهادت می‌رسد (رک: نسخه خطی ۱) یا در زمینه طالقان، حضرت زهرا^(س) در پایان تعزیه به صورت عینی در گودی قتلگاه ظاهر می‌شود (رک: نسخه خطی ۲) یا در نسخه‌ای دیگر، ابتدای مجلس با پیش‌واقیعه قیس هندی شروع می‌شود (رک: نسخه خطی ۳) یا در همین نسخه، وقتی امام، از زین به زمین می‌افتد، ابن سعد، فرنگیان (= نصرانیان) را برای تمام کردن کار امام فرا می‌خواند. باز در همین نسخه، شخصیتی به نام قیس کوفی داریم (رک: نسخه خطی ۳). در مجلس دیگری وداع‌های امام طولانی‌تر و متنوع‌تر است (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۴۳۳ - ۵۰۶). در نسخه‌های میرعزای کاشانی (زمینه کاشان) و نیز زمینه تهران که مشابهت زیادی با هم دارند، مجلس با نامه‌نویسی فاطمه صغری (دختر امام حسین^(ع)) آغاز می‌شود و بلافاصله صحنه عروسی زعفر جنی نماش داده می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۸۹ - ۳۶۱). در نسخه میرانجم (زمینه اراک = قدمگاه)، پس از شهادت علی‌اصغر، عابس و غلامش شوذب، غلام ترک، هاشم، وهب و حبیب بن مظاهر به میدان می‌آیند و در رکاب امام شهید می‌شوند. در صحنه آخر این نسخه نیز، شیری برای حفاظت از پیکر

امام در مقابل ترک تازی اشقیا، خود را به پیکر امام می‌رساند (ر.ک: دریایی، ۱۳۹۱: ۴۸۷ - ۵۹۶). در برخی زمینه‌ها مثل زمینه کرمان، تعزیه امام حسین^(ع)، خلاصه شده تعزیه ۷۲ تن است (ر.ک: قنبری نیز، ۱۳۹۴: ۳۸۷ - ۴۳۳). در نسخه‌ای دیگر وقتی امام به خواب می‌رود، ملائک در صحنه حاضر می‌شوند (صالحی راد، ۱۳۸۹: ۳۶۷ - ۳۹۳).

۶. همانندی‌ها و پیوندها

۶ - ۱. تولد رازناک از مادر آسمانی

مادر سیاوش یکی از معماهای شاهنامه است و به گونه‌ای شگفت نیز بعد از زادن سیاوش در دل داستان، محو می‌شود. او را در زمره پریان، رازآمیز، مبهم، بغ بانوی دیرینه، پری‌واره و مهتر ماه‌رویان نامیده‌اند (ر.ک: فاضلی و کنعانی، ۱۳۸۹: ۴-۵؛ آیدنلو ۱۳۸۴: ۲۷-۴۳). فردوسی این زن را پارسا می‌داند. بعد از آنکه سیاوش به سلامت از آزمون آتش بیرون می‌آید، کاوس از «پاکیزه تخمی و روشن‌روانی» او نزد مادر پاک-نهادش می‌گوید (داستان سیاوش، ب ۵۲۵).

البته برخی هم بر این باورند که در ساخت کهن‌تر این داستان، مادر سیاوش، همان سودابه است؛ ولی چون عشق مادر و پسر ناپسند تلقی شده، سودابه را به عنوان مادر ناتنی ذکر کرده‌اند (ر.ک: خالقی مطلق، ۱۳۸۱: ۳۲۶؛ غلامی و باباشاهی، ۱۳۹۶: ۸ - ۹). «در کنار تغییر سرنوشت مادر سیاوش از پری اساطیری به انسانی حماسی، برای بازسازی صوری داستان و حفظ تسلسل آن [بخش‌هایی]، بر هسته باستانی و اساطیری داستان افزوده‌اند» (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۷۲). آیدنلو برای «نشانه‌ها و ویژگی‌های پیدا و پنهان ذات پریانه» مادر سیاوش، دوازده دلیل آورده است (همان، ۶۷ - ۸۲).

مادر امام حسین^(ع) نیز حضرت زهرا^(س) است، دختر پیامبر آخرالزمان. آیات و سوره‌هایی از قرآن مجید نیز به صورت مستقیم یا در لفافه به این بانوی بزرگ اشاره دارند: «ضحی»، «انشراح»، «انسان»، «قدر» و «کوثر» است (ر.ک: صاحبی فرد، ۱۳۸۴: ۱۷ - ۶۶). آیاتی که به صورت روشن بر فضیلت حضرت فاطمه زهرا^(س) دلالت دارد یا نام ایشان به صورت صریح در ذیل آن آیات در روایات آمده است، مشتمل بر ۵۶ آیه است (ر.ک: همان: ۶۷ - ۱۷۵)، آیاتی که در شأن اهل بیت است و حضرت فاطمه زهرا^(س) از برترین مصادیق آن است. ۱۹ آیه است (ر.ک: همان، ۱۱۷ - ۲۱۰)، احادیث زیادی نیز

در فضیلت آن حضرت بیان شده است (احمدی صفایی، ۱۳۹۰: ۲۱ - ۶۸). برخی محدثان و مورخان اسلامی، از جمله شیخ صدوق، علی بن ابراهیم قمی، سیوطی، طبری، خطیب بغدادی و ... احادیثی از پیامبر^(ص) نقل کرده‌اند که فرمود: اصل انعقاد نطفه فرزندم زهرا^(س) از آن میوه یا سیبی بود که جبرئیل در شب معراج از درخت بهشتی چید و به من داد ... (رسولی محلاتی، ۱۳۸۳: ۷ و ۸). حتی ازدواج آن حضرت قبل از زمین در آسمان‌ها شکل می‌گیرد (همان، ۳۹) و فرشتگان جواهراتی از بهشت برای این عروسی می‌آورند (همان، ۴۵ و ۴۶). آن حضرت را سید و بزرگ بانوان جهان (همان، ۷۵) و پاره تن پیامبر^(ص) (همان، ۷۶) خوانده‌اند. القابی که به حضرت فاطمه^(س) نسبت داده شد نیز حاکی از عظمت شخصیت اوست: «والعلم»، «والالباب»، «اتوالعلم»، «اولایدی و الابصار»، «اهل تفکر و تذکر»، «برهان و عرفان» یا «عقل و عشق» است (غروی نائینی و چتری بیدگلی، ۱۳۸۹: ۱۳۲). در حدیثی قدسی، خداوند خطاب به پیامبر^(ص) و علی^(ع) می‌گوید: «لولا فاطمه لما خلقتکما...» (همان، ۱۳۲).

۶-۲. ازلی بودن

ردپای بسیاری از اسطوره‌ها در دورترین زمان‌ها نیز به چشم می‌خورد. اساساً آن‌ها ازلی و ابدی‌اند و در آفرینش نخستین حتی قبل از اینکه در قالب جسم بیایند حضوری مثالی داشته‌اند.

سیاوش در پاسخ سودابه می‌گوید:

مرا آفریده است از فر خویش
بپرورد و بنشانند در پر خویش
(داستان سیاوش، ب ۲۵۷)

چه‌بسا در روایات کهن‌تر [سیاوش] بی‌میانجی‌گری از فر، دم ایزدی آفریده شده و سپس قالب بشری یافته است (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۸۸: ۱۷). در برخی از روایات شیعه و نیز برابر بعضی از نسخ تعزیه مانند «جام بلا» یا عالم «ذر» پنج‌تن آل‌عبا، قبل از آفرینش آدم وجود و حضور داشته‌اند و در همان روز ازل، امام حسین^(ع) برای نوشیدن جام بلا داوطلب می‌شود (فتحعلی بیگی و معینان، ۱۳۸۸: ۸۲). در تعزیه امام حسین^(ع) حتی کهنه‌پیراهنی که امام در روز عاشورا به تن می‌کند از روزگار ازل و در بستر تاریخ به امام حسین^(ع) رسیده است:

آن پیرهن ز پنبه فردوس داور است آن یادگار آدم و نوح و پیمبر است
از حضرت خلیل و ذبیح‌الله و مسیح میراث انبیاست که بر من مقدر است
(نسخه خطی، ۴)

۶-۳. کنش‌ها و واکنش‌های طبیعت

«از خصوصیات مردان حق آن است که همه کائنات با آن‌ها یک‌آواز می‌شوند و طبیعت اعلام می‌دارد که کاری بس بزرگ به وقوع پیوسته است و از این رو، به مرگ سیاوش بُعد روحانی می‌بخشد» (جعفری، ۱۳۸۷: ۹۸). پس از اینکه گروی زره، سر سیاوش را از تن جدا می‌کند باد سیاهی برمی‌خیزد:

یکی باد با تیره‌گردی سیاه برآمد بپوشد خورشید و ماه
(داستان سیاوش، بیت ۲۲۸۶)

مردم بر این باور بوده‌اند که اگر خون بی‌گناه بر زمین ریخته شود، همه کائنات و مردم به حمایت از او برخوانند خاست؛ همچنانکه بعد از مرگ سیاوش طوفان و تیرگی همه‌جا را گرفت (بازیگر، ۱۳۹۴: ۳۰).

واکنش طبیعت هنگام به صلیب کشیدن مسیح، کشته شدن مانی، گرشاسب و خورشیدشاه - یکی از روحانیون ترسا - روایت شده است (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۲۲ و ۲۳). واکنش طبیعت در هنگام شهادت امام حسین^(ع) نیز در منابع تاریخی و نسخ تعزیه ذکر شده است (امین عاملی، ۱۳۸۳: ۴۲ - ۶۷). در مجلس تعزیه امام حسین^(ع)، در هنگام وصیت‌های امام با زینب^(س)، امام، از جمله از سه رخداد پس از شهادتش یاد می‌کنند: «دوم خورشید گردد تار و خون از آسمان آید» (دریایی، ۱۳۹۱: ۵۰۳)، نیز در تعزیه «بازار شام» یزید می‌پرسد: «ز بعد مرگ او برگو چه رخ داد» و شمر می‌گوید: «زمین و آسمان در لرزه افتاد» (نسخه خطی، ۶). از دیگر واکنش‌های عناصر طبیعی، نسوختن سیاوش در آتش است. او که خود فرزند آتش است از آتش امتحان، سالم و سلامت بیرون می‌آید. به هر روی، آتش نماینده طبیعی خداست (هینلز، ۱۳۹۱: ۴۸). در روایت نسخه‌نویس تعزیه، خنجر از بریدن گلوی امام عاشورا حیا می‌کند و بوسه‌گاه پیامبر خاتم را نمی‌برد (ر.ک: دریایی، ۱۳۹۱: ۵۶۷؛ صالحی‌راد، ۱۳۸۹: نسخه خطی ۱، ۲ و ۳) در داستان ذبح اسماعیل هم خنجر، گلوی پاک اسماعیل را نمی‌برد. «الخلیل یأمرنی و الجلیل ینهانی» (ر.ک: طیب، ۱۳۸۶: ۱۱/۱۷۸) سر امام حسین^(ع) در راه کربلا به شام، در

تنور منزل خولی نمی‌سوزد؛ بلکه نوری از آن ساطع می‌شود (ر.ک: شعرانی، ۱۳۹۶: ۳۳۹). برآمدن گیاه سیاوشان از خون سیاوش، از دیگر واکنش‌های طبیعت به خون ناحق‌ریخته سیاوش است.

۶ - ۴. پیشگویی: آگاهی داشتن از سرنوشت

«سیاوش در مقام خدایی قادر به پیشگویی است. به فرنگیس می‌گوید که چون مایه از فرّ یزدانی دارم، آینده را به تو می‌گویم و سپس مرگ خود را پیش‌بینی می‌کند» (شمیسا، ۱۳۹۷: ۸۳۳).

من آگاهی از فرّ یزدان دهم هم از راز چرخ بلند آگهم
(سیاوش، ب ۱۶۷۶)

«سیاوش بعد از مرگ هم به خواب بزرگان می‌آید و آینده نویدبخش را به آنان اعلام می‌کند. چنانکه به خواب طوس می‌آید و به او نوید می‌دهد که سپاهی از ایران به فرماندهی رستم به کمک آنان خواهد آمد» (شمیسا، ۱۳۹۷: ۸۳۴) و یکبار هم پس از مرگ به خواب پیران می‌آید و به او که پرستاری فرنگیس را بر عهده دارد مژده می‌دهد که فرزندش، کیخسرو از مادر متولد شده است. در اوایل داستان، نیز سیاوش، سرنوشتش را به خواب می‌بیند (داستان سیاوش، ۳۸۵) و در جایی دیگر «سیاوش پس از مرگش به خواب گویو می‌آید: روحی مستقل که حاوی پیامی است تا بتواند راه مبارزه را به ایرانیان بنمایاند (بازگیر، ۱۳۹۴: ۲۰). همچنین، در جایی از داستان، وقتی سیاوش در چین برای ساختن شهری نو و اقامت در جایگاهی دلپذیر از ستاره‌شناسان عاقبت این جای و جایگاه را می‌پرسد، اخترشناسان، نافرخته بودن این جایگاه را بیان می‌کنند (ر.ک: داستان سیاوش، ب ۱۵۹۸ - ۱۶۰۱)

در تعزیه امام حسین^(ع) و نیز دیگر تعزیه‌ها، بیشتر براعت استهلالی در ابتدای تعزیه هست که قهرمان داستان با شکوه از بی‌وفایی روزگار و «ستم‌های بشماره‌ای» که بر اهل بیت داشته است، از سرنوشت خود و گریزناپذیر بودن مرگ در این هیجای نابرابر، خبر می‌دهد. یکی دیگر از جلوه‌های پیشگویی، حضور شخصیت‌های شهیدشده در قالب امام غایب یا حضور در خواب است. در اوایل تعزیه امام حسین^(ع) و در آغاز وداع با حضرت زینب^(س)، «قسمت = نصیب»‌های خود را از سرنوشت آینده برای

یکدیگر بیان می‌کنند و این پیشگویی دو جانبه، در چند بیت ادامه می‌یابد (دریایی، ۱۳۹۱: ۴۹۲). در ادامه تعزیه، وقتی امام لحظاتی به خواب می‌رود، در خواب، شهادت قریب‌الوقوع خود و رفتن به بهشت به نزد جد و پدر را مشاهده می‌کند، امام خطاب به زینب^(س) می‌گوید:

خواب می‌دیدم ریاض مشکبو نگذاشتی داشتم با جد و بابم گفت‌وگو نگذاشتی
(صالحی‌راد، ۱۳۸۹: ۳۷۱)

نمونه دیگر از پیشگویی امام حسین^(ع)، هنگام وصیت با حضرت زینب^(س) است که از «سه آثار» بعد از شهادت خود خبر می‌دهد. (دریایی، ۱۳۹۱: ۵۰۳).

۵-۶. حضور فرا زمینی‌ها

فرازمینی‌ها، ملائک، جنیان، کروییان و سروش در دو داستان سیاوش و تعزیه امام حسین^(ع) اثری عینی دارند و گویا در میانه زمین و آسمان در حرکتند و در مواقع لزوم به امداد و استمداد قهرمان می‌آیند. گودرز خواب خود را برای فرزندش گویو این‌گونه روایت می‌کند:

به فرمان یزدان، خجسته سروش مرا روی بنموده در خواب دوش
(داستان سیاوش، ب ۳۰۴۰)

چه آنکه در جای‌جای شاهنامه نیز حاضرند و در پیش‌برد مقاصد داستان‌ها اثر-آفرینند (ر.ک: خداداد نوش‌آبادی، ۱۳۹۴).

در تعزیه امام حسین^(ع) نیز جبرئیل و ملائک و جنیان چندبار ظاهر می‌شوند. یک‌بار در اول تعزیه، دیگر بار، وقتی امام صدای «هل من ناصر» سر می‌دهد و در اواخر تعزیه، دوباره جبرئیل بر امام فرود می‌آید. البته، نقل آمدن جنیان و ملائک به صحنه عاشورا، در نسخ تعزیه مستند به منابع تاریخی است (ر.ک: روضه الشهداء، جلاء‌العیون: ۶۹۲ و ۷۸۶؛ لهوف: ۶۳، ۹۷ و ۱۴۱ به نقل از اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۴۳۵ و ۴۳۶).

۶-۶. مرکب و ادوات ویژه

اسب سیاوش، شبرنگ‌بهباد است و اسب امام حسین^(ع) ذوالجناح. این دو اسب، اسبان خاص‌اند. سیاوش پیش از کشته شدن به اسب ویژه‌اش، شبرنگ‌بهباد، سفارش می‌کند که «بیدار دل باش و با کس مساز» و این اسب تنها در برابر فرزند فرهمند صاحبش،

کیخسرو رام می‌شود. رخس به همراه رستم در چاه نیرنگ شغاد کشته می‌شود و «ذوالجناح امام حسین^(ع) بعد از شهادت امام، خود را به رود فرات می‌اندازد و ناپدید می‌شود» (ر.ک: صالحی، ۱۳۷۹: ۴۵ و ۴۶ به نقل از آیدنلو، ۱۳۸۶: ۲۲).

بی‌آورد	شبرنگ‌بهباد	را	که دریافتی روز کین باد را
خروشان سرش را به بر در گرفت	لگام و فسارش ز سر بر گرفت		
به گوش اندرش گفت رازی دراز	که بیدار دل باش و با کس مساز		

(داستان سیاوش، ب ۲۲۰۵ - ۲۲۰۷)

در سیاوشان، اسب از سیاوش جداشدنی نیست. چه هنگامی که او اسب است و چه هنگام که سوار، سیاوش و اسب یکی هستند و مرگ یکی، بدون دیگری چنان دور است که دست کم باید اسب در عزای او شرکت جوید و مثل دیگر آیین-ورزان عمل کنند (حضور، ۱۳۸۴: ۱۰۴).

ذوالجناح نیز، زبان‌بسته زبان‌فهمی است که هم پیام شهادت امام را به خیم اهل بیت می‌آورد و هم در تعزیه غارت خیمه‌ها، شهربانو همسر امام را به‌سوی ری در مرکز ایران می‌آورد (ر.ک: نسخه خطی ۷) و در آنجا غیب می‌شود (ر.ک: هدایت، ۱۳۷۸: ۱۳۵) و اتفاقاً از شباهت‌های دو داستان، نوع کمک کردن شبرنگ‌بهباد و ذوالجناح به فرنگیس و شهربانوست. اسب در رسوم و اعتقادات شیعه نیز نقش‌آفرین است (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۸۸: ۱۹).

لباس و سلاح و شمشیر قهرمانان نیز خاص است. هر کمندی تاب خم شدن به-دست قهرمان را ندارد و هر شمشیر و سپر و خنجر لایق آن نیست که در دست پهلوان قرار گیرد. در بخش‌های پایانی داستان سیاوش، گیو، زره سیاوش را این‌گونه وصف می‌کند:

چهارم چو جستی به خیره زره	که آن را ندانی گره تا گره
نگردد چنین آهن از آب تر	نه آتش برو بر بود کارگر
نه نیزه نه شمشیر هندی نه تیر	چنین بازخواهی بدین آب گیر

(داستان سیاوش، ب ۳۴۶۰ - ۳۴۶۲)

در بخش‌های پایانی تعزیه امام حسین^(ع)، امام گفت‌وگویی با شمشیر خود - که همان ذوالفقار است - دارد. البته، ذوالفقار نامی آمیخته از تاریخ و افسانه است و فراز و

فرودهایی در پهنه تاریخ و افسانه و اسطوره به خود دیده است (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۸۶: ۱۱۵ - ۱۴۲).

۶ - ۷. پاک‌نهادی و شهادت‌طلبی

«مرگ سیاوش در حالتی نمادین، بیانگر نوعی شهادت‌طلبی برای حفظ ارزش‌ها و دور ماندن از زشتی‌ها و پلیدی‌هایی است که انسان را از هر سو احاطه کرده است» (غلامی و باباشاهی: ۱۳۹۶: ۲۳) «سیاوش یک کمال‌طلب است که حاضر نیست سر مویی از مبادی اخلاقی سرپیچی کند» (خالقی مطلق، ۱۳۸۸: ۱۰۵). اهمیت اخلاق و شهادت - طلبی را در جای‌جای نسخ تعزیه امام عاشورا نیز می‌توان دید. احادیث، خطبه‌ها، کلمات و رجزهای نقل‌شده از امام حسین^(ع) قبل و حین واقعه عاشورا دال بر آگاهی آن حضرت از شهادت (ر.ک: جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۰۰ - ۲۰۷)، خبر آوردن جبرئیل بر پیامبر^(ص) مبنی بر شهید شدن حسین^(ع) در کنار رود فرات (ر.ک: امین، ۱۳۸۳: ۸۴ - ۸۸) و احتجاج امام بر اهل کوفه (ر.ک: شعرانی، ۱۳۹۶: ۲۰۹ - ۲۲۳)، همه بیانگر شهادت‌طلبی و پاک‌نهادی و کمال‌خواهی آن امام است.

پاک‌نهادی قهرمانان اساطیری و تاریخی معمولاً در روایت زیبایی ظاهری آن‌ها نیز تجلی می‌یابد. سیاوش پری‌زاد و زیباست (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۹: ۴۰۰). در ادب فارسی گاه زیبارویان به چهره سیاوش تشبیه شده‌اند (ر.ک: شکیبی ممتاز، ۱۳۸۶: ۸۵). حتی در داستان بیژن و منیژه نیز، منیژه با دیدن چهره همسرش، او را به سیاوش مانند می‌کنند (فاضلی و کنعانی: ۱۳۸۹: ۹۷). اوج وصف زیبایی در مجالس تعزیه، در تعزیه حضرت علی‌اکبر است. به‌ویژه در موقع به میدان آمدن فرزندان امام عاشورا، در همه نسخ تعزیه برای وصف «اشبه‌الناس» به پیامبر؛ سخن‌سرایی‌ها شده است و در وصف خط و خال و عذار و چشم و ابرو و گیسوان و قامت او هر نسخه‌نویسی به حد شاعرانگی خود داد سخن داده است (ر.ک: به فهرست نسخ در منابع). نقلِ درویش در تصویر - که در برخی از نسخ امام عاشورا آمده است - نیز حکایت جذب شدن پادشاه هند به تصویر ملکوتی، جذاب و زیبایی پیامبر^(ص) و امام حسین^(ع) است (ر.ک: نسخه خطی ۳). به هر روی، «امام حسین^(ع) همانند سیاوش، آگاهانه در برابر مرگی ناخواسته و ظالمانه، گردن

می‌نهد تا خوبی‌ها و ارزش‌های انسانی را به منصه‌ظهور برساند» (قادرنژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۷).

۶-۸. تکرار شونددگی در بستر تاریخ

در شاهنامه شخصیت سیاوش به گونه‌ای در قهرمانان پیش و پس از خود تکرار می‌شود. «در سرگذشت کیومرث آمده است که بعد از مرگ او در کوه، از بدنش آبی خارج و بر زمین جاری می‌شود و از آن، دو درخت به نام مشی و مشیانه به وجود می‌آید» (بازیگر، ۱۳۹۴: ۳۱). همان گونه که از خون سیاوش نیز گیاه سیاوشان می‌روید (طبری، ۱۳۵۲: ۴۲۳). مهرداد بهار و میرجلال‌الدین کزازی بر این باورند که کنگ‌دژ در اوستا نمونه آسمانی سیاوش گرد است (بازیگر، ۱۳۹۴: ۳۵). سیاوش در شاهنامه می‌میرد؛ اما باز هم ارتباطش با گیاه - که نماد زندگی و تداوم است - از بین نمی‌رود، ... آن گیاه را می‌توان نمونه و نمادی از فرزند او کیخسرو دانست (شکیبی ممتاز، ۱۳۸۶: ۷۱) شخصیت امام حسین^(ع) نیز در بزرگان و اولیای پیش و پس از خود امتداد دارد، امام برابر روایت تعزیه از زمان آدم تا پیامبر خاتم حضور دارد (ر.ک: به نسخ تعزیه جام بلا، عالم ذر و...).

جمله معروف کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا که منسوب به امام صادق^(ع) است و بعضی علمای دینی نیز ذیل سخنان خود آورده‌اند (ر.ک: شریعتی حسین، وارث آدم: ۴۹؛ امام خمینی^(ره)، صحیفه امام، ۹/ ۴۴۵، ۱۰/ ۱۲۳، ۱۹۱، ۳۱۵ و ۱۶/ ۱۵۱؛ مطهری، مجموعه آثار، ۳/ ۴۳۴ به نقل از سایت ویکی شیعه)، بیانگر همین تکرار شونددگی در بستر تاریخ است. خون‌خواهی و قیام برای انتقام خون ناحق ریخته مظلوم نیز به واسطه همین تکرار شونددگی است. رستم پس از آگاهی از مرگ سیاوش به خونخواهی سیاوش بر می‌خیزد (داستان سیاوش، ب ۲۶۳۹). در اولین جنگی که فرامرز در منزلگاه نخست با ورازاد دارد، می‌گوید: او را به کین‌خواهی سیاوش کشتم (همان، ۲۶۹۴). در ادامه همین جنگ نیز، سر سرخه را نیز که به دست فرامرز اسیر و به نزد رستم آورده می‌شود به مانند سیاوش در تشتی از پیکر جدا می‌کنند (ر.ک: داستان سیاوش، ب ۲۷۴۶ - ۲۷۶۰).

چه بسا آمیختگی نژادی نیز از ویژگی‌های تکرارشوندگی و جهان‌شمولی قهرمانان‌اند. سیاوش از مادری تورانی و پدری ایرانی است. کیخسرو فرزندش از پدر ایرانی و مادری تورانی‌اند. سهراب از پدری ایرانی و مادری تورانی است. امام حسین^(ع) نیز همسری ایرانی دارد و شهربانو که مادر امام سجاد و در بیشتر نسخ تعزیه مادر علی‌اصغر است (ر.ک: نسخ تعزیه در منابع)، ایرانی است و در تعزیه‌ای به همین نام، «شهربانو» از سوی ذوالجناح به ری آورده می‌شود (ر.ک: نسخه خطی ۷). «داستان‌هایی این چنانی که فرد نمایانی از دو سو، نژاده داشته باشند، نوعی پیوستگی جهانی را می‌رساند. این را می‌رساند که انسان‌ها و ملت‌ها یکی هستند، منتها به شاخه‌های خوب و بد تقسیم می‌شوند» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۱: ۱۳۸).

۶- ۹. نیایش و شفاعت

وقتی سیاوش را کشان‌کشان به سوی قتلگاه می‌برند به درگاه خدا دعا می‌کند که از نسلش پسری پدید آید که به خونخواهی او برخیزد. سیاوش بنالید با کردگار که ای برتر از گردش روزگار یکی شاخ پیدا کن از تخم من چو خورشید تابنده بر انجمن (داستان سیاوش، ب ۲۳۲۷ و ۲۳۲۸)

نیایش رکن همیشگی آغاز بیشتر تعزیه‌نامه‌هاست و معمولاً مجالس تعزیه با نیایش اولیاخوانان آغاز می‌شود. در تعزیه امام، علاوه بر آغاز کلام، در گودی قتلگاه نیز امام قبل از شهادت فرصتی می‌خواهد تا به درگاه پروردگار، آخرین نماز را اقامه کند. همین ارتباط مداوم با پروردگار است که آن‌ها را به گذشت و شفاعت رهنمون می‌کند. سیاوش پس از گذر از آتش و اثبات بی‌گناهی، کاوس را از مجازات سودابه بر حذر می‌دارد و شفیع او می‌شود. در ادامه داستان، وقتی پیران به چنگ گیو اسیر می‌شود، کیخسرو و فرنگیس از کشتن او صرف‌نظر می‌کنند و شفیع او می‌شوند. امام نیز در صحنه کربلا با وجود اینکه، حر راه را بر او بسته است، توبه او را می‌پذیرد و شفیعش می‌شود، از صحنه کربلا غیب می‌شود و برای نجات سلطان قیس به هندوستان می‌رود. به‌طور کلی شفیع شدن و شفاعت گناهکاران کلید واژه تعزیه است و حتی تماشاگران تعزیه به این امید، به پای مجالس تعزیه می‌آیند.

۶- ۱۰. نمادها و اشارات مشترک

۶- ۱۰- ۱. عدد مقدس

در شاهنامه و تعزیه و همچنین، در داستان سیاوش و نسخه مجلس امام حسین^(ع) عدد سه، از حیث تکرار، مهم‌ترین عدد است (ر.ک: خداداد نوش آبادی: ۱۳۹۷). به‌طور کلی عدد سه را مهم‌ترین عدد در مقیاس بین‌المللی نیز دانسته‌اند (ر.ک: شمیل، ۱۳۹۰: ۷۳، ۷۵، ۸۸، ۹۳ و ۹۶). در فرهنگ و آیین‌های باستانی ایرانیان نیز عدد سه جایگاه ویژه‌ای دارد (ر.ک: محمودی: ۱۳۸۴: ۱۴۹ - ۱۶۲). در داستان سیاوش نیز این عدد به فراوانی ذکر می‌شود: سه روز (ب ۶۵۸، ۶۷۰، ۷۰۲، ۱۹۲۶ و ۲۰۱۴)، سه چیز (۲۴۱)، سه پیل (۱۲۱۳)، سه ماه (۱۴۱۸)، سه دست (۱۵۲۶)، سه نعلین (۱۵۲۹)، سه اسب (۲۰۱۹)، سه سوار (۲۳۷۰ و ۳۵۰۲)، سه دیگر (۲۵۴۰ و ۳۴۵۹)، سه فرسنگ (۲۸۹۷)، هر سه (۳۱۷۹، ۳۲۴۴، ۳۴۸۲ و ۳۴۸۴) و سه جوشن (۳۴۸۶). در فراوانی از مجالس تعزیه، عدد سه اهمیت دارد: تیر سوم (صالحی‌راد، ۱۳۸۹: ۳۸۰)، سه امر (همان، ۴۶۳)، سه کس (دریایی، ۲۹۵)، سه دفعه (همان، ۱۴۵). در نسخه تعزیه امام حسین^(ع) هم وصیت‌ها سه‌گانه است و هم سخن از سه واقعه بعد از شهادت امام است (ر.ک: دریایی، ۱۳۹۱: ۵۰۲؛ صالحی‌راد، ۱۳۸۹: ۳۷۳؛ نسخ خطی ۱، ۲، ۳).

۶- ۱۰- ۲. سپیدجامگان

کفن‌پوشی نیز از رسوم رایج در دو داستان است. سیاوش هنگام جنگ با توران کفن می‌پوشد.

سپه کش چو رستم گو پیلتن به یک دست خنجر به دیگر کفن
(داستان سیاوش، ب ۶۵۱)

سیاوش به هنگام گذر از آتش نیز جامه‌ای سپید به تن دارد. «جامه سپید بر تن، یعنی آماده تسلیم به اراده آسمانی» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۱: ۱۴۳). در نسخ تعزیه نیز تقریباً همه شهادت‌خوان‌ها قبل از رفتن به میدان، کفن می‌پوشند. در تعزیه امام حسین^(ع) نیز این کفن‌پوشی و گفت‌وگو با کفن، مرکز ثقل تعزیه برای استقبال از شهادت و پاکبختگی در راه پروردگار است.

۶- ۱۰- ۳. جانب‌داری راوی

هر دو راوی، از شخصیتِ قهرمان خود جانب‌داری می‌کنند. «فردوسی سیاوش را دوست دارد، مرگ او را سریعاً در چند بیت می‌گوید؛ زیرا احتمالاً دچار احساسات شده است... دیگر از قرائن جهت گرفتن فردوسی این است که گرسیوز را بد نشان می‌خواند (شمیسا، ۱۳۹۷: ۸۳۵).

به گرسیوز بد نشان، شاه گفت که او را به کوی آورید از نهفت (داستان سیاوش، ب ۴۳۸۵)

نسخه‌نویسان تعزیه، همه جانبه، جانب‌دارِ اولیاخوانان هستند. از انتخاب نوع لباس تا نوع اسب یا نوع خوانش تا توصیفات و تعبیر شعری، همه از شقاوت اشقیا و مظلومیت و معنویت اولیا حکایت دارند.

۷. نتیجه

سرگذشت رازآلود قهرمانان اساطیری به دلیل باورهای پنهان در ناخودآگاه ذهنی انسان‌ها در طول تاریخ، در زندگی قهرمانان تاریخی و به‌ویژه بزرگان مذهبی، تجلی دوباره می‌یابد و در جای‌جای جهان، این تأثیرپذیری را در شکل‌های مختلف می‌توان دید. این پیوند تاریخ و اسطوره به شخصیت قهرمانان جنب، ازلی، ابدی می‌دهد و در بستر تکرار شونده تاریخ می‌توان باورپذیری و هم‌ذات‌پنداری قهرمانان را مضاعف ساخت. سیاوش - داستان داستان‌های شاهنامه - به‌عنوان روایت یکی از پاک‌نهادترین اسوه‌های اساطیری، پس از اسلام، جای و جایگاه خود را به واقعیت تاریخی امام حسین^(ع) - سومین امام شیعیان - سپرد و روایت‌هایی که در گذر تاریخی، ذهن جامعه، بین این دو شخصیت، به‌ویژه در قالب باورهای عامیانه، جاری ساخت در فراوان جای‌ها، تاریخ و اسطوره به‌هم پیوند می‌خورد و همانندی‌ها و پیوندهایی بین این دو قهرمان برقرار می‌کند و این بستگی‌ها و وابستگی‌ها در زمینه‌های مختلفی، از جمله تولد رازناک و مادر آسمانی، ازلی بودن، کنش‌ها و واکنش طبیعت، پیشگویی و آگاهی از سرنوشت، حضور فرا زمینی‌ها، مرکب و ادوات ویژه، پاک‌نهادی، شهادت‌طلبی و اخلاق‌محوری، تکرار

بررسی تطبیقی داستان سیاوش و روایت مادر... محمد خداداد نوش آبادی و همکاران

شوندگی در بستر تاریخ، نصیحت و نیایش، نمادها و اشارات مشترک و ... استمرار و امتداد دارد.

منابع

- قرآن کریم
- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۴). «فرضیه‌ای درباره مادر سیاوش». فرهنگستان. د ۷. ش ۳. (پیاپی ۲۷). صص ۲۷ - ۴۶.
- _____ (۱۳۸۶). «ذوالفقار از تاریخ تا افسانه (ویژگی‌های داستانی ذوالفقار در فرهنگ و ادب ایران)». پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا). د ۱. ش ۲۳. صص ۱۱۵ - ۱۴۲.
- _____ (۱۳۸۸). «سیاوش، مسیح^(ع) و کیخسرو (مقایسه‌ای تطبیقی)». پژوهش‌های ادبی. س ۶. ش ۲۳. صص ۹ - ۴۴.
- _____ (۱۳۸۸). از اسطوره تا حماسه (هفت گفتار در شاهنامه‌پژوهی). چ ۲. تهران: سخن.
- احمدی جلفایی، حمید (۱۳۹۰). صحیفه فاطمیه. چ ۱۶. قم: زائر.
- اسلامی ندوشن، محمد علی (۱۳۸۱). ایران و جهان از نگاه شاهنامه. تهران: امیرکبیر.
- اسماعیلی، حسن (۱۳۸۹). تشنه در میثاقگاه. تهران: معین.
- امین عاملی، سید محسن (۱۳۸۳). اقناع الاثم. ترجمه علی زهراب (آیین سوگواری). چ ۳. قم: عترة.
- بازیگر، نسرين (۱۳۹۴). «دو فرضیه درباره داستان سیاوش (با توجه به نظر شاهنامه‌پژوهان ایرانی. تاجیک، روس و اروپایی)». ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. س ۱۱. ش ۳۹. صص ۱۱ - ۴۸.
- بلوکباشی، علی (۱۳۹۰). تعزیه‌خوانی حدیث قدسی مصائب در نمایش آیینی. چ ۲. تهران: امیرکبیر.
- بهار، مهرداد (۱۳۹۷). پژوهشی در اساطیر ایران. چ ۱۱. تهران: آگه.
- پهلوان، کیوان (۱۳۹۷). فرهنگ تعزیه در ایران و جهان. مجموعه بیست جلدی. تهران: آرون.
- ثمینی، نغمه و محمد خزایی (۱۳۸۲). «کتاب ماه هنر (آیین و ادبیات)» ش ۵۵ و ۵۶. صص ۷۰ - ۸۵.

سال ۷، شماره ۲۸، مهر و آبان ۱۳۹۸ _____ دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

-جعفری، ناهید (۱۳۸۷). «شکوه سیاوش در آیینۀ عرفان». *ادبیات و اسطوره‌شناختی*. د ۴. ش ۱۰. صص ۷۹ - ۱۰۰.

-جعفریان، رسول (۱۳۸۱). *تأملی در نهضت عاشورا*. چ ۲. قم: انصاریان.

-حصوری، علی (۱۳۸۴). *سیاوش‌شان*. چ ۲. تهران: چشمه.

-خداداد نوش‌آبادی، محمد (۱۳۹۷). «اشارات اساطیری در نسخ تعزیه». *سیزدهمین همایش انجمن ترویج زبان فارسی*. دانشگاه شیراز.

-_____ (۱۳۹۴). *وام‌گیری‌های تعزیه از شاهنامه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته زبان و ادبیات فارسی. کاشان: دانشگاه آزاد اسلامی.

-دریایی، مهدی (۱۳۹۱). *قدمگاه/انجم ۱*. قم: دارالهدی.

-دلیر، آزاده (۱۳۸۷). «روابط بینامتنی میان داستان سیاوش از شاهنامه و تعزیه مجلس شهادت امام حسین^(ع)». هنر. ش ۷۷. صص ۱۷۶ - ۱۸۶.

-رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۸۳). *زندگانی حضرت فاطمه زهرا^(س) و دختران آن حضرت*. چ ۱۲. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

-سایت ویکی شیعه، دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت^(ع) وابسته به مجمع جهانی اهل بیت.

-شعرانی، میرزا ابوالحسن (۱۳۹۶). *آنچه در کربلا گذشت*. ترجمۀ نفس‌المهموم. قم: آثار نور.

-شکیبی ممتاز، نسرين (۱۳۸۸). «سیاوش در آیینۀ ادب فارسی (تا قرن هفتم)». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. د ۳. ش ۶. صص ۷۰ - ۸۷.

-شمیسا، سیروس (۱۳۸۹). *فرهنگ تلمیحات*. چ ۳. تهران: میترا.

-_____ (۱۳۹۷). *شاهنامه‌ها*. چ ۳. تهران: هرمس.

-شیمیل، آنه ماری (۱۳۹۰). *راز/اعداد*. ترجمۀ فاطمه توفیقی. چ ۳. تهران: ادیان و مذاهب.

-صاحبی فرد، علی‌اکبر (۱۳۸۴). *۱۳۵ نور فاطمه در قرآن*. قم: مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی-عصر^(عج).

-صالحی‌راد، حسن (۱۳۸۹). *مجالس تعزیه*. تهران: سروش.

-طیب، سیدعبدالحسین (۱۳۸۶). *اطیب‌البیان فی تفسیرالقرآن*. قم: مؤسسه جهانی سبطين.

-غلامی، ذوالفقار و فاطمه باباشاهی (۱۳۹۶). «بررسی داستان سیاوش بر اساس نظریۀ آلوده انگاری ژولیا کریستوا». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۴۶. صص ۱ - ۲۶.

بررسی تطبیقی داستان سیاوش و روایت مادر... محمد خداداد نوش آبادی و همکاران

- غروی نائینی، نهله و ابوالفضل چتری بیدگلی (۱۳۸۹). «گذری بر اسرار تولد حضرت فاطمه زهرا(س)». علمی ترویجی بانوان شیعه. ش ۲۴. صص ۱۳۱ - ۱۵۸.
- فاضلی، فیروز و ابراهیم کنعانی (۱۳۸۹). «سیاوش، شخصیتی آیینی و رازناک در شاهنامه». پژوهش‌نامه زبان و ادب فارسی (گوهرگویا). س ۴. ش ۱ (۱۳). صص ۹۳ - ۱۰۸.
- فتحعلی بیگی، داود (۱۳۹۶). شبیه‌خوانی کهن الگوی نمایش‌های ایرانی. تهران: ورامین.
- فتحعلی بیگی و رجبعلی معینیان (۱۳۸۸). دفتر تعزیه ۱۰. تهران: نمایش.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۲). شاهنامه. به‌کوشش سعید حمیدیان. چ ۱۹. تهران: قطره.
- قادرنژاد، مهدی و همکاران (۱۳۹۷). «بازخوانی آیین سوگ سیاوش و تعزیه امام حسین(ع)» (بر مبنای تحلیل نگاره‌های مربوط به سوگ سیاوش در آسیای مرکزی و اثری از حسین زنده-رودی). پژوهش زبان و ادبیات فارسی. ش ۴۹. صص ۷۱ - ۹۴.
- قنبری نیز، مرید (۱۳۹۴). هفده مجلس شبیه‌خوانی. تهران: اطلاعات.
- کاظمی، سمانه (۱۳۸۶). میرعزا کاشانی در قلمرو تعزیه. تهران: سوره مهر.
- محمودی، خیرالله (۱۳۸۴). «جایگاه عدد سه در فرهنگ و آیین‌های باستانی ایرانیان». علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. د ۲۲. ش ۱ (۴۲). صص ۱۴۹ - ۱۶۲.
- نسخه خطی ۱ (بی‌تا). نسخه خطی تعزیه امام حسین(ع). زمینه برخوار. به قلم حبیب بیاتی تفرشی.
- نسخه خطی ۲ (۱۳۹۶). نسخه خطی. تعزیه امام حسین(ع). زمینه طالقان. به قلم حبیب بیاتی تفرشی.
- نسخه خطی ۳ (۱۳۹۱). نسخه خطی تعزیه امام حسین(ع). به قلم حبیب بیاتی تفرشی.
- نسخه خطی ۴ (۱۳۹۲). نسخه خطی تعزیه امام حسین(ع) (عاشورا). به قلم حبیب بیاتی تفرشی.
- نسخه خطی ۶ (۱۳۹۲). نسخه خطی تعزیه بازار شام. به قلم حبیب بیاتی تفرشی.
- نسخه خطی ۷ (۱۳۹۱). نسخه خطی تعزیه وداع بی‌بی شهر بانو. به قلم حبیب بیاتی تفرشی.
- هدایت، صادق (۱۳۷۸). فرهنگ عامیانه مردم ایران. تهران: چشمه.
- هینلز، جان (۱۳۹۱). شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه.

Comparative analysis of Siāvash's story and Ta'zieh Nāmāh's Narrative

Mohammad Khodādād Noush Abādi¹ Saeid Kheirkhāh*² Amir
Hussein Madani³

1. Ph.D. Candidate in Persian Language and Literature –Islamic Azād University – Kashān – Iran.
2. Assistant Professor of Persian Language and Literature - Islamic Azad University – Kāshān – Iran.
3. Assistant Professor of Persian Language and Literature- Kāshān University- Iran.

Received: 18/05/2019

Accepted: 14/07/2019

Abstract

Rituals and arts, Iranian beliefs and traditions, and therefore the role and status of the ancient and innocent heroes of this land bring about diverse events in the rituals, myths and symbols of the Iranian Shiites, especially in Ashurā culture. The traces of these contents and thoughts can be found in many religious traditions. In this sense, the Ta'zieh manuscript is even more widespread because of its reputation among the general public. This article has attempted to show the impact of Siāvash's story on Ta'zieh version of Imam Hussein. Therefore the purpose of this research is through summarizing the two stories and their characteristics, to examine their similarities and their links with the mysterious birth of a celestial mother, their eternal aspect, their actions and reactions of nature to these heroes, their prediction and awareness of their destiny, their presence of supernatural, equipment, martyrdom, repetition of history, worship and protection, as well as common symbols and references. This research attempts to answer the question of how, in addition to tell a historical fact, it would be possible to combine the myths of mythical heroes with religious leaders in order to make the character more credible and even more praiseworthy.

Keywords: Myth, Shāhnāmeh, Siāvash, Imām Hussein, Ta'zieh

*Corresponding Author's E-mail: zh9988@gmail.com